

خلاصه نگارش ۱

پایه دهم

تمام رشته ها

تهیه و تنظیم:

رضا خوشه بست

دبیر ادبیات ناحیه ۶ مشهد

به همراه نمونه سوال

بهار ۹۹

- ۱..... **درس اول - پرورش موضوع (ص ۲۵-۱۴)**
- ۱..... هنجار نوشتار ۱ - کاربرد جملات کوتاه (ص ۲۳)
- ۲..... **درس دوم - عینک نوشتن (ص ۳۹-۲۸)**
- ۲..... هنجار نوشتار ۲ - ارتباط معنایی واژه‌ها (ص ۳۸)
- ۳..... **درس سوم - نوشته‌های عینی (ص ۵۵-۴۲)**
- ۳..... هنجار نوشتار ۳ - کاربرد واژه (ص ۵۴)
- ۴..... **درس چهارم - نوشته‌های گزارش گونه (ص ۷۱-۵۸)**
- ۴..... هنجار نوشتار ۴ - کاربرد واژه با توجه به فضای حاکم بر متن (ص ۶۹)
- ۵..... **درس پنجم - نوشته‌های ذهنی (۱): جانشین سازی (ص ۸۳-۷۴)**
- ۵..... هنجار نوشتار ۵ - عوامل پیوند جمله‌ها (ص ۸۲)
- ۶..... **درس ششم - نوشته‌های ذهنی (۲): سنجش و مقایسه (ص ۹۷-۸۶)**
- ۶..... هنجار نوشتار ۶ - نشانه‌های پیوند و ربط (ص ۹۶)
- ۷..... **درس هفتم - نوشته‌های ذهنی (۳): ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم (ص ۱۱۰-۱۰۰)**
- ۷..... هنجار نوشتار ۷ - نشانه‌های تقابلی (ص ۱۰۹)
- ۸..... **درس هشتم - نوشته‌های داستان گونه (ص ۱۲۲-۱۱۲)**
- ۸..... هنجار نوشتار ۸ - نشانه‌های سببی (ص ۱۰۹)
- ۹..... **سوالات آزمون پیشرفت تحصیلی مرحله ۱ (سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵) - رشته ریاضی و فیزیک**
- ۱۰..... **سوالات آزمون پیشرفت تحصیلی مرحله ۲ (سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵) - رشته ریاضی و فیزیک**

۱. پرسشگری ← برای تبدیل موضوع های معمولی به نوشته های جذاب
۲. مراحل نوشتن ←

- پرورش موضوع و طرح سوال
- پاسخ به سوالات

۳. راه های شکوفایی و گسترش پرسش ها و گشودن گره ذهنی:



بارش فکری موضوع «دیوار»

- بارش فکری

- فکر کردن و معنای سازی
- کشف روابط میان اشیا و پدیده ها

- اگر نویسی

- پرسش و انتخاب آسان

- گزین گفته ها

- احادیث
- ضرب المثل ها
- کنایه ها
- ...

۴. نکات مهم در پاسخ به سوالات:

- مهم ترین مرحله پاسخ ← شاخ و برگ دادن به پاسخ ها
- تقویت مهارت نوشتن

- آفرینشگری
- پاسخ سازی

- توجه به اصول بندنویسی و رعایت انسجام متن

هنجار نوشتار ۱ - کاربرد جملات کوتاه (ص ۲۳)

۵. به کار گیری جملات کوتاه، یکی از هنجار های مهم در نگارش است.
۶. زیان های جملات بلند:

- بلند و نفس گیر
- از بین رفتن ارتباط میان اجزای جمله هنگام پردازش در ذهن
- دشواری خواندن و درک آن

درس دوم (عینک نوشتن)

❖ چرا برای یک موضوع، نوشته های متفاوت و رنگارنگی خلق می شود؟
وقتی از پشت عینک به طبیعت نگاه می کنیم، طبیعت را با همان رنگی می بینیم که رنگ شیشه عینک ماست.
اگر رنگ شیشه عینک، زرد باشد، طبیعت، زرد و پاییزی جلوه می کند.
اگر شیشه عینک ما، سبز رنگ باشد، رنگ طبیعت، سبز و بهاری می شود.

❖ منظور از عینک نوشتن چیست ؟

نوع نگاه نویسنده به موضوع است.

❖ نوع نگاه ما به چه چیز بستگی دارد ؟

به فکر ما بستگی دارد.

- هر طور که به موضوع نگاه کنیم، نوشته ما به همان رنگ درمی آید.
- ❖ اگر از دریچه پدیده های دیداری (**محسوسات**: مواردی که با حواس پنجگانه قابل درک باشد.) به موضوع بنگریم، نوشته ای **عینی** و محسوس تولید می شود؛
 - ❖ اگر از پنجره **ذهن و خیال** به موضوع نگاه کنیم، نتیجه آن، خلق نوشته ای **ذهنی** و خیال انگیز خواهد بود.
 - ❖ هر فرد، با توجه به **شناختی** که نسبت به موضوع دارد، آن را از نگاه خود بیان می کند.
 - ❖ هر کس، با توجه به **تجربه، آموزش، تربیت و یادگیری خود**، دنیای متفاوتی دارد؛
 - ❖ بنابراین، **نوع نگاه** و دریچه دید افراد باهم **متفاوت** است.
 - ❖ **اصلی ترین علت تفاوت نوشته ها چیست؟**
 - تفاوت در نوع نگاه نویسنده به موضوع است.
 - ❖ حتی در نوشته هایی که موضوع مشترک دارند، به سبب وجود تفاوت در نوع نگاه هر نویسنده به موضوع، تفاوت دیده می شود.
- بررسی پنج نوشته ای که در صفحات ۲۹ تا ۳۱ به عنوان نمونه ذکر شده است:
- نوشته یک: **عینی** است زیرا بر اساس واقعیت و محسوسات نوشته شده است.
 - نوشته دوم: **ذهنی** است زیرا ساخته ذهن و تصورات نویسنده است.
 - نوشته سوم: **ذهنی** است زیرا در ذهن عالم این تصویرسازی شکل گرفته است.
 - نوشته چهارم: **ذهنی** است. زیرا در ذهن خود پاک کن سر مداد را به کلاه تشبیه کرده است و ...
 - نوشته پنجم: **ذهنی** است زیرا در افکار خود این سوالات و شبیه سازی را بیان می کند.

هنجار نوشتار ۲

یکی دیگر از هنجارهایی که باید در نوشتار به آن توجه کرد، **ارتباط معنایی واژه ها در جمله** است. گاهی به نظر می آید می توان دو واژه هم معنی را جایگزین یکدیگر کرد. در حالی که هنگام کاربرد واژه، **توجه به بافت جمله و ظرایف معنایی هر واژه**، ضروری است؛ زیرا هر واژه ارزش معنایی ویژه ای دارد و در بافت وابسته به خود به کار می رود.

به نمونه های زیر، توجه کنید.

(الف)

۱- سرانجام پس از جست و جوی بسیار، **خانه** مناسبی پیدا کرد.

۲- سرانجام پس از جست و جوی بسیار، **سرای** مناسبی پیدا کرد.

(ب)

۱- پس از تحمل رنج فراوان به **سرای** باقی شتافت.

۲- پس از تحمل رنج فراوان به **خانه** باقی شتافت.

چنانکه ملاحظه می کنید اگرچه «خانه» و «سرا» **هم معنی** اند؛ اما هر یک **متناسب با فضای خاصی** به کار می روند.

در قسمت (الف) واژه «خانه» و در قسمت (ب) واژه «سرا» مناسب است.

پاسخ کارگاه نوشتن صفحه ۳۳

تمرین یک صفحه ۳۳:

متن یک: **ذهنی** - بر اساس ذهنیات خود متن را نوشته است.

متن دو: **عینی** - دیده ها و شنیده های خود را بیان کرده است.

متن سه: **عینی** - بر اساس دیده ها و شنیده ها نوشته شده است.

متن چهارم: **ذهنی** - نویسنده با شخصیت بخشی به دریا و تصورات ذهنی خود، متن را نوشته است.

تمرین ۲ صفحه ۳۶:

یک موضوع به دلخواه انتخاب کنید.

یک بار به صورت **ذهنی** و یک بار به صورت **عینی** بنویسید.

مَثَل نویسی صفحه ۳۹

❖ یک مثل را انتخاب کنید و با توجه به **مفهوم و کاربرد مثل**، نوشته ای در قالب داستان یا خاطره یا هر

شکلی که می خواهید، بنویسید.

❖ در گسترش مثل، کاری به **گذشته و پیشینه** مثل نداریم.

❖ **داستانی جدید**، با موضوع مثل انتخابی، تولید کنید.

درس سوم (نوشته های عینی)

- ❖ هنگام نوشتن متن **عینی**، از **حواس پنجگانه** (بویایی ، چشایی ، شنوایی ، بینایی ، لامسه) بهره می گیریم ؛
- ❖ از قلمرو حواس ظاهر، فراتر نمی رویم؛
- ❖ آنچه چشم می بیند، گوش می شنود و... **دقیقاً و عیناً** در نوشته بازتاب می یابد؛
- ❖ به همین سبب این نوشته ها را « **محسوس و واقعی** » هم می گویند.
- ❖ هدف نویسنده هنگام نوشتن **متن عینی**، ارائه اطلاعات واقعی و مستند است؛

بنابراین از **دریچه حواس** به چشم انداز مورد نظر می نگرد.

- ❖ در **نوشته عینی** نویسنده وارد فضای **ذهن و خیال** نمی شود و از احساسات شخصی خود بهره نمی گیرد.
- ❖ وقتی قصد ما خلق **نوشته عینی** است، **پرسش** های ما باید **عینی** باشد.
- ❖ **پاسخ سازی** ها هم نباید از محدوده **عینیت** فراتر رود.

مرحله اول: پرسش

- ❖ ابتدا ذهن را آزاد می گذاریم تا درباره موضوع، **پرسش** های **گوناگون** (عینی، ذهنی و ...) بسازد.

مرحله دوم: شناسایی و جدا کردن پرسش های عینی

- ❖ در این مرحله به بررسی و طبقه بندی پرسش ها می پردازیم؛
- ❖ سپس پرسش های **عینی** را از پرسش های **ذهنی** جدا می کنیم.

مرحله سوم: گزینش و سازماندهی پرسش ها

- ❖ برای این که نوشته ما طولانی نشود، بر پایه توانایی و علاقه خود دست به گزینش پرسش ها می زنیم.
- ❖ پس از انتخاب پرسش ها نوبت به **چینش و سازماندهی** آنها و ایجاد **نقشه ذهنی** نوشتن می رسد.
- ❖ پرسش های انتخاب شده را طبق یک **نظم منطقی** می چینیم و به آنها پاسخ می دهیم.
- ❖ برای پاسخ به سوالات در متن های علمی بهتر است از **کل به جزء** حرکت کنیم.
- ❖ نخست درباره نام یا کلیت موضوع می نویسیم؛ (نخست چهارچوب و طرح کلی را شکل می دهیم).
- ❖ سپس به بیان جزئیات و ویژگی های دیگر آن می پردازیم. (ویژگی های ریزتر را بازگو می کنیم).
- ❖ **جدا کردن پرسش های کلی.**
- ❖ **جدا کردن پرسش های جزئی.**
- ❖ در تولید متن های عینی ممکن است که پاسخ برخی از پرسش ها را ندانیم. در چنین مواردی لازم است به **منابع اطلاعاتی** (کتاب، مجله، متخصصان، صاحب نظران و اینترنت) مراجعه کنیم.

هنجار نوشتار ۳

- **واژه، اصلی ترین ابزار نوشتن** است.
- هنگام کاربرد واژه در گفتار و نوشتار باید هم به **خوش آهنگی** آن توجه کرد، هم به **معنای** آن.
- **گزینش واژه** در زیبایی نوشته و انتقال معنا نقش بسزایی دارد.

❖ جمله زیر را بخوانید و دقت کنید، گزینش چه واژه ای نامناسب بوده است.

« **استرسی** که در زمان ریزش قطره های باران بر زمین به من وارد می شود، بسیار زیباست. »

انتخاب واژه « استرس » در این جمله، صحیح نیست.

واژه « استرس » غیر فارسی است، **بار معنایی منفی** دارد و نمی تواند زیبا باشد.

نویسنده می تواند با گزینش واژه ای مثل « **احساسی** » به جای کلمه « استرسی » به درستی منظور خود را بیان کند.

افزون بر این، کنار هم آمدن « بر زمین » و « به من » از زیبایی نوشته می کاهد.

این جمله را می توان به صورت های زیر، بازنویسی کرد.

احساسی که زمان ریزش قطره های باران به من دست می دهد، بسیار زیباست.

حال و هوایی که هنگام ریزش قطره های باران دارم، بسیار زیباست.

پاسخ کارگاه نوشتن صفحه ۴۷

پاسخ سوال یک (قسمت الف)

الف) زعفران، گیاهی گرانبها است؛ گرده آن به ظاهر مانند همه گیاهان خشک شده دیگر است؛ اما میان گرده زعفران و گیاهان دیگر از زمین تا آسمان فرق است. هم از نظر رنگ و مزه و هم از نظر ارزش غذایی و مادی آن.

ب) سرخ رنگ است چرا که در متن به طلای سرخ اشاره شده است.

پ) در متن به لذیذ بودن زعفران اشاره شده است.

ت) در مورد بوی زعفران صحبتی انجام نشده است.

ث) در مورد شیوه کشت زعفران نیز مطلبی ذکر نشده است.

ج) کیک زعفرانی، شربت زعفرانی، برنج زعفرانی و...

خ) به علت قیمت فوق العاده بالای آن

د) در متن ذکر نشده است.

ر) در متن ذکر نشده است.

ن) در متن ذکر نشده است.

و) با توجه به قیمت فوق العاده گران آن، کشت این محصول به مراتب از نظر اقتصادی به صرفه است.

هـ) در متن ذکر نشده است.

ی) زعفران شادی افزا و خنده آور است؛ قلب را تقویت و ضربان آن را تنظیم می کند.

سازماندهی پرسش ها:

۱- زعفران چیست؟

۲- چرا زعفران با طلا برابری می کند؟

۳- آیا کشت زعفران، کارکرد اقتصادی دارد؟

۴- چه رنگی است؟

۵- چه طعمی دارد؟

۶- زعفران، چه خاصیت هایی دارد؟

۷- کاربرد آن چیست؟

قسمت (ب) بر عهده دانش آموز است.

پاسخ سوال ۲ صفحه ۵۱:

با توجه به مطالب درس و موارد خواسته شده متنی بنویسید.

شعرگردانی صفحه ۵۵

❖ برای شعرگردانی ابتدا کلماتی که نیاز به معنی دارد مشخص می کنیم و معنی امروزی آن را می نویسیم.

❖ معانی کنایی عبارات ها را می نویسیم.

❖ مفهوم کلی شعر را می نویسیم و با شاخ و برگ دادن موضوع آن را گسترش می دهیم.

❖ درک و دریافت خود را از شعر به نثر امروزی می نویسیم.

بازگردانی شعر:

من در برابر هر آنچه که علیه من و به ضرر من باشد می ایستم.

تو هم همچنین در برابر آنچه تهدیدی علیه تو باشد می ایستی.

همه ی ما در برابر هر خطری که ما را تهدید می کند می ایستیم.

این اتحاد و همکاری باعث می شود همانند یک جنگل با هم باشیم و تن به هر پستی و خواری ندهیم و در برابر

دشمن ایستادگی کنیم.

درس چهارم (نوشته های گزارش گونه)

- ❖ «گزارش» یکی از قالب های پرکاربرد نوشتن است.
- ❖ **رخ داده های واقعی** را بر بنیاد حواس ظاهر، بیان می کند.
- ❖ زمانی گزارش می نویسیم که بخواهیم رویدادی را **کوتاه و گویا** معرفی کنیم.
- ❖ گزارش خوب باید **زمان، مکان و برخی جزئیات** را به درستی بازگو کند.
- ❖ یکی از **روش های مناسب** برای تهیه گزارش، بهره گیری از **پرسش** است.
- ❖ هنگام نوشتن گزارش، ابتدا درباره موضوع مورد نظر، پرسش های متنوعی طرح می کنیم؛ (**پرسش های عینی: مرحله اول**)
- ❖ سپس به طبقه بندی و چینش پرسش ها می پردازیم. (**گزینش و سازمان دهی پرسش ها: مرحله دوم**)
- ❖ **نکته مهم** این است که چون فضای متن های گزارش گونه عمدتاً با نوشته های **محسوس و عینی** شکل می گیرد، نوع **پرسش ها و پاسخ ها** نیز باید **عینی** باشد.

هنجار نوشتار ۴

- یکی از نکات مهم در کاربرد واژه، **توجه به فضای حاکم بر متن** است.
- واژه ها **متناسب با حال و هوای متن** انتخاب می شوند.
- ویژگی های **معنایی و آوایی** واژه ها در ایجاد فضای نوشته، بسیار مؤثر است.
- **نوشته زبانی** فقط جنبه **اطلاع رسانی** دارد و باید از کلماتی استفاده شود که **مستقیم و واضح** منظور نویسنده را منتقل کند و نیاز به **بار احساسی و عاطفی** ندارد.
- در **نوشته ادبی هدف نویسنده انتقال احساسات خود به خواننده** است، پس باید از کلمات با بار احساسی مناسب استفاده شود.

❖ نوشته زیر، یک **متن زبانی** است و فقط جنبه **اطلاع رسانی** دارد.

«چشم، یکی از پرکارترین اعضای بدن انسان است. اگر بگوییم چشم ها از لحاظ کارکرد بعد از مغز در مرتبه دوم قرار می گیرند، بیهوده نگفته ایم. این درست است که مغز انسان در بیست و چهار ساعت به صورت مستمر کار می کند؛ اما باید بگوییم که مغز در طول این ساعت ها تنها نیست و چشم ها نیز به همین میزان فعالیت

دارند. شاید فکر می کنید که هنگام خواب، چشم ها در حال استراحت اند؛ اما این صحیح نیست. یاخته های چشم به صورت مستمر چه در خواب و چه در بیداری کار می کنند. «
 ❖ نوشته زیر، یک متن ادبی است و قصد آفرینش ادبی دارد و از واژگان با بار احساسی، استفاده کرده است.

« همه طبقات آسمان را گشته ام. در دل ستاره باران نیمه شب های روشن و مهربان تابستان، بر جاده کهکشان تاخته ام. صحرای ابدیت را در نور دیده ام. بال در بال فرشتگان، در فضای پاک ملکوت شنا کرده ام. با خدایان، ایزدان، با همه الهه های زیبای آسمان، با همه ارواح جاوید که در آسمان آرام یافته اند، آشنا بوده ام. از هر جا، از هر یک، یادی، یادگاری، برایت آورده ام. از سیمای هر کدام زیباترین خط را ربوده ام. از اندام هر یک، نازنین طرح را گرفته ام. از هر گلی، افقی، دریایی، آسمانی، چشم اندازی، رنگی دزدیده ام و با دست و دامنی پر از خط ها و رنگ ها و طرح های آن سوی این آسمان زمینی، از معراج نیمه شبان تنهایی، به دامان مهربان تو فرو آمده ام. نشسته ام تا آن ودیعه ها که از آسمان ها آورده ام در دامن تو ریزم . »

حکایت نگاری صفحه ۷۱

بازنویسی حکایت :

از یکی از عالمان (حکیمان) شنیدم که گفت: فقط یه شخص به نادانی و جهالت خود اعتراف می کند و آن کسی است که در زمان صحبت کردن شخص دیگری، در حالی که هنوز سخن او به اتمام نرسیده شروع به سخن گفتن می کند و این نشانه جهالت چنین فردی است.
 ای انسان فهمیده، سخن سر و ته و ابتدا و انتها دارد. پس در میان سخنان دیگران صحبت مکن که انسان عاقل و هوشمند فقط هنگامی صحبت می کند که سکوت برقرار باشد و کسی در حال سخن گفتن نباشد.

۲۵. شیوه های نوشتن یک نوشته ذهنی:

- جانشین سازی
- سنجش و مقایسه
- ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم

۲۶. نوشته ذهنی ← پرورش موضوع به یاری ذهن و خیال

- آزادی عمل بسیار
- مسیر نوشته ذهنی ← قدرت توانای ذهن نویسنده

۲۷. مراحل روش جانشین سازی:

- خود را به جای موضوع یا پدیده دیگر می نشانیم
- از نگاه آن به بیرون نگاه می کنیم
- افزایش ظرفیت و قابلیت موضع با ...

✚ تغییر جایگاه

✚ نوع نگاه

۲۸. نکات مهم در روش جانشین سازی:

- متناسب بودن موارد زیر با موضوع:

✚ عواطف

✚ حس و حال

✚ نوع نگرش

✚ لحن کلام

✚ شیوه بیان

- روایت موضوع از زاویه آن نگاه

۲۹. داشتن اطلاعات و شناخت کافی درباره موارد زیر پیش از نگارش، برای انتقال نوع نگرش و عواطف و احساسات یک پدیده، شخص یا موضوع:

- چیستی
- ویژگی ها
- وضع ظاهری
- کارکرد موضوع نوشته

هنجار نوشتار ۵ - عوامل پیوند جمله ها (ص ۸۲)

۳۰. تشکیل متن از کنار هم قرار گرفتن جملات

۳۱. رعایت انسجام و یکپارچگی متن در قرار گرفتن جمله ها

۳۲. عوامل پیوند جمله ها:

- ارتباط معنایی
- نشانه های انسجام زبانی

۳۳. یکی از روش های نوشتن متن ذهنی ← سنجش و مقایسه

۳۴. مقصود از سنجش و مقایسه ←

- برقراری پیوند بین پدیده ها
- کشف روابط میان اشیا برای درک تفاوت ها و شباهت ها

۳۵. راه ارتباط موضوع ها با یکدیگر ← رابطه معنایی

۳۶. اصلی ترین شکل روابط معنایی ← قیاس

۳۷. تفاوت مقایسه در نوشته های عینی و ذهنی:

- در نوشته های عینی موضوع را با چیزی مقایسه می کنند که با هم در یک طبقه قرار می گیرند.
- در نگارش ذهنی از مرز حواس فراتر می رویم و آزادانه در فضای ذهن حرکت می کنیم و می توانیم دو چیز را که به ظاهر هیچ سنخیتی با هم ندارند، با هم مقایسه کنیم.

۳۸. مقایسه در متن های ذهنی به کمک رابطه ذهنی.

هنجار نوشتار ۶ - نشانه های پیوند و ربط (ص ۹۶)

۳۹. یکی از ابزار انسجام متن ← نشانه های پیوند ← افزودن معنا و مفهومی به مفاهیم متن

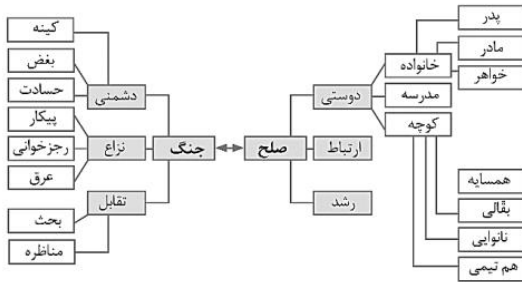
۴۰. نمونه از نشانه های پیوند:

- و
- هم
- نیز
- به علاوه

۴۱. نکات مهم در کاربرد نشانه های پیوند: توجه به ...

- بار معنایی
- نقش آنها در تولید متن

۴۲. مراحل گسترش نقشه مفاهیم یا نمودار شبکه‌ای:



- قرار دادن موضوع یا مفهوم اصلی (صلح) در مرکز و هسته نقشه یا نمودار
- نوشتن هسته دیگر با مفهوم متضاد
- تکمیل شاخه های اصلی موضوع نخست به شیوه بارش مفاهیم
- تکمیل خوشه های هر شاخه با نگاه جزئی و دقیق تر
- تکمیل شاخه های موضوع دوم (جنگ)

۴۳. با استفاده نقشه مفاهیم یا نمودار شبکه‌ای، وقتی به هر نقطه و واژه این شبکه تکیه کنیم، انبوهی از مفاهیم پیوسته به آن، به ذهن می‌آید و ما را در نوشتن یاری می‌دهد.

۴۴. جند نکته مهم هنگام تولید نوشته ذهنی به روش ناسازی معنایی یا تضاد مفاهیم:

- ارتباط خوشه ها با شاخه ها و پیوند با هسته
- پیوند هسته با مفهوم متضاد
- پایبندی به فضای ذهن

۴۵. تفاوت نوشته های حسی و ذهنی

- نوشته حسی ←
 - ✚ نقطه آغاز: حرکت از حس
 - ✚ پایان: در همان قلمروی حس
- نوشته ذهنی ←
 - ✚ نقطه آغاز: پدیده های دیداری و حسی
 - ✚ پایان: جدایی از سرزمین حواس ظاهری و اوج گرفتن

هنجار نوشتار ۷ - نشانه های تقابلی (ص ۱۰۹)

۴۶. یکی از ابزار های انسجام متن ← نشانه های دارای معنای تقابل

۴۷. کاربرد نشانه های تقابلی:

- در یک یا چند جمله، مطلبی بیان شود و در ادامه در تقابل با آن مطلب، موضوعی بیاید.

۴۸. نشانه های تقابلی:

- بافت های کلامی:

✚ اما

✚ ولی

- بافت رسمی

✚ اگرچه ... ولی

✚ با وجود این

آشنایی با عناصر داستان نویسی

عناصر داستان، اجزای بنیادین تشکیل دهنده ی داستان هستند. در میان اهل فن و نویسندگان در مورد تعداد و ترکیب عناصر بنیادین داستان اتفاق نظر وجود ندارد. به عنوان مثال:

داستان دربردارنده چند عنصر اصلی است: پیرنگ، شخصیت، معنا، روایت و زاویه دید.

- یک تصویر می‌تواند بیانگر تمام عناصر داستان باشد: درونمایه (تم)، شخصیت، کشمکش، صحنه، سبک و ...
- نویسنده با افزودن عناصری نظیر شخصیت، گفتگو و صحنه به پیرنگ داستانش رنگ و بوی شخصی می‌دهد.
- در چاقوب داستان چند عنصر مهم داستانی قرار می‌گیرند: شخصیت، کنش و کشمکش.

به نظر من زاویه دید یکی از بنیادی‌ترین عناصر هنر داستان‌نویسی است.

برای نگارش یک داستان موفق باید درک درستی از عناصر بنیادین داستان‌گویی داشت، نظیر زاویه دید، گفتگو و صحنه.

پیرنگ

پیرنگ، یا خط داستانی، اغلب به عنوان یکی از عناصر بنیادین ادبیات داستانی برشمرده می‌شود. پیرنگ عبارت‌است از ساخت و پرداخت کنش‌های یک داستان. در سطح خرد، پیرنگ مجموعه‌ای است از کنش‌ها و واکنش‌ها، یا محرک‌ها و پاسخ به محرک‌ها. در سطح کلان پیرنگ آغاز، میانه و پایان دارد. اغلب آن را با نموداری کمان شکل با خطوط زیگ‌زاگی برای نمایش اوج و فرود کنش داستان ترسیم می‌کنند. در سطح میانه، ساختار پیرنگ متشکل است از صحنه و پایان‌بندی. صحنه واحدی از درام است که در آن کنش واقع می‌شود. سپس، نوعی تحول یا گذار از موقعیت فعلی صورت می‌گیرد و در پی آن پایان‌بندی می‌آید: جمع‌بندی و پیام داستان.

مقدمه‌چینی

مقدمه‌چینی به معنای خلق موقعیت داستانی اولیه است. در این مرحله صحنه به شیوه‌های گوناگون طراحی می‌شود، شخصیت‌ها معرفی می‌شوند، و کشمکش آغاز می‌شود. برای مثال:

پیش‌آگاهی

پیش‌آگاهی، تکنیکی است که نویسنده به کار می‌بندد تا سرنخ‌هایی را در اختیار خواننده قرار دهد. خواننده با استفاده از این سرنخ‌ها می‌تواند آنچه را که قرار است بعدتر در داستان اتفاق بیفتد پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، نویسنده به نکات ظریفی اشاره می‌کند که از رویدادهای آتی پیرنگ خبر می‌دهند و بعداً در داستان به کار می‌آیند.

کنش صعودی

کنش صعودی، عنصر روایی یک اثر داستانی است که از پس مقدمه‌چینی می‌آید و به نقطه اوج داستان می‌انجامد. کنش صعودی معمولاً به منظور ایجاد تعلیق تا رسیدن به نقطه اوج به کار می‌رود و نباید آن را با میانه داستان اشتباه کرد. هر آنچه بعد از نقطه اوج می‌آید را کنش فرودی می‌نامند.

در یک اثر داستانی، نقطه اوج جایی است که قهرمان با جدی‌ترین چالش خود مواجه می‌شود. چالشی که اجتناب‌ناپذیر است و بیم آن می‌رود که به شکست قهرمان بینجامد. نقطه اوج برای مخاطب غافلگیرکننده است و او را وامی‌دارد داستان را با اشتیاق تا پایان دنبال

کند. نقطه اوج اغلب از سه بخش تشکیل شده است. شخصیت دچار تغییر می‌شود، چیزی در مورد خودش یا یک شخصیت دیگر کشف می‌کند و مضمون داستان آشکار می‌شود.

کنش نزولی

کنش نزولی معمولاً در تراژدی‌ها و داستان‌های کوتاه دیده می‌شود. کنش نزولی پس از اوج می‌آید و تأثیرات آن را نمایش می‌دهد و در نهایت به پایان‌بندی یا عاقبت داستان (که گاه فاجعه‌بار است) می‌انجامد. داستان پایان می‌یابد و مخاطب اتفاقی که در اوج داستان رخ داده و پیامدهای آن را درک می‌کند.

نتیجه

پس از اوج، کشمکش داستان به نتیجه نهایی خود می‌رسد. ممکن است یک تعلیق نهایی وجود داشته باشد که مخاطب را درباره پایان داستان در تردید بگذارد.

کشمکش

کشمکش عنصری ضروری در ادبیات داستانی است و به معنای چالشی است که قهرمان با آن روبه‌رو می‌شود و در تمام گونه‌های ادبیات کاربرد دارد. انواع کشمکش را بر اساس ویژگی‌های قهرمان و ضدقهرمان معمولاً به این شکل طبقه‌بندی می‌کنند:

شخصیت

شخصیت‌پردازی را یکی از عناصر بنیادین داستان می‌دانند. شخصیت در داستان مشارکت می‌کند، معمولاً یک انسان است و هویت و ویژگی‌های گوناگونی دارد که از بطن داستان برآمده است. گونه‌های مختلف شخصیت‌های داستانی از این قرارند:

- شخصیت راوی: شخصیتی است که مخاطب داستان را از زاویه دید او تجربه می‌کند، با او همدردی می‌کند و از او طرفداری می‌کند، از این رو شخصیت اصلی داستان است.
- قهرمان: شخصیتی است که کنش داستان را پیش می‌برد و انتظار می‌رود به هدف غایی داستان نائل شود. در شیوه‌ی داستانونگویی غربی، قهرمان عموماً شخصیت اصلی داستان است.
- ضدقهرمان: شخصیتی است که در برابر قهرمان قد علم می‌کند.
- شخصیت ایستا: شخصیتی است که در روند داستان دچار تغییر محسوسی نمی‌شود.
- شخصیت پویا: شخصیتی است که در روند داستان دستخوش تغییرات شخصیتی می‌شود.
- شخصیت متضاد: شخصیتی است که از نظر خصوصیات درست در نقطه مقابل قهرمان قرار دارد و شخصیت و ویژگی‌های قهرمان را آشکار می‌کند.
- شخصیت مکمل: شخصیتی که در داستان نقشی ایفا می‌کند اما نقش او چندان عمده نیست.
- شخصیت فرعی: شخصیتی است که نقش کوچکی در داستان دارد.

شیوه‌های پرداخت شخصیت

- ویژگی‌های ظاهری: ظاهر بیرونی شخصیت توصیف می‌شود تا خواننده بتواند او را بشناسد.
- گفتگوها: شخصیت چه می‌گوید و چطور می‌گوید.
- کنش‌ها: کارهایی که شخصیت انجام می‌دهد و چگونگی انجام آنها
- واکنش دیگران: شخصیت‌های دیگر او را چطور می‌بینند و با او چه رفتاری دارند.

گونه‌های پیرنگ

ترتیب زمانی

تمام رویدادها به ترتیبی رخ می‌دهند که در متن آمده‌است. ممکن است اشاره‌هایی به گذشته یا آینده وجود داشته باشد، اما بازگشت به گذشته یا آینده در کار نیست.

بازگشت به گذشته

بازگشت به گذشته یا فلاش‌بک یعنی به میان آوردن صحنه‌ای که روایت را از زمان فعلی داستان به زمانی در گذشته برمی‌گرداند. از فلاش‌بک اغلب به منظور بازنمایی رویدادهایی استفاده می‌شود که از نظر زمانی مقدم بر خط توالی اتفاقات داستان رخ داده‌اند و یا اطلاعاتی ضروری در مورد پیش‌داستان (آنچه قبل از شروع داستان رخ داده) به دست می‌دهند. فلاش‌بک‌های مبتنی بر شخصیت، رویدادهای مهمی را از گذشته شخصیت بازگو می‌کنند که در رشد و گستردگی شخصیت نقش داشته‌است.

درست در نقطه مقابل، بازگشت به آینده یا فلاش‌فوروارد، رویدادهایی را آشکار می‌کند که در آینده به وقوع خواهد پیوست. این تکنیک به منظور ایجاد تعلیق در داستان و یا پرداخت شخصیت به کار برده می‌شود.

پرداخت صحنه

پرداخت صحنه، به معنای توصیف زمان و مکان داستان، را اغلب یکی از عناصر بنیادی ادبیات داستانی می‌دانند. در برخی موارد صحنه خود به یکی از شخصیت‌های داستان بدل می‌شود و ممکن است لحن ویژه‌ای به داستان بدهد.

درون‌مایه (تم)

درون‌مایه یا تم عصاره مفهومی داستان است و اغلب آن را یکی از عناصر بنیادی ادبیات داستانی می‌دانند. مفهوم یا ایده محوری داستان که عنصر وحدت‌بخش داستان هم است. اگر بپرسند «زاین داستان چه چیزی یادگرفتید؟» پاسخ همان درون‌مایه یا تم خواهد بود.

سبک

سبک چیزی نیست که نوشته شده بلکه چگونه نوشتن آن است. سبک در ادبیات داستانی به قراردادهای زبانی اشاره دارد که در ساختمان اثر به کار می‌روند. داستان‌نویس ممکن است بیان، ساختار جمله، جمله‌بندی، گفت‌وگو نویسی، یا سایر جنبه‌های زبانی را دستکاری کند تا سبک یا حال و هوای به خصوصی را خلق کند.

زاویه دید

زاویه دید، نمایش‌دهنده شیوه‌ای است که نویسنده به‌وسیله آن، مصالح و مواد داستان را به خواننده ارائه می‌کند و درواقع رابطه نویسنده

را با داستان نشان می‌دهد. هر داستانی باید گوینده‌ای داشته باشد که موضوع را نقل می‌کند؛ این نقل موضوع ممکن است به شیوه اول شخص یا دوم شخص یا سوم شخص صورت بگیرد.

شرح

شرح، عام‌ترین نوع نوشتن است. زیرا در هر امری که نیاز به فهمیدن دارد، تعریف واژه‌ای دادن نشانی خیابانی، تعریف ساختمان یک گیاه، سازوکار یک ساعت، انگیزه یک واقعه تاریخی و مفهومی فلسفه‌ای از «شرح» استفاده می‌شود. منظور از «شرح» توضیح چیزی است، غرض اطلاعات دادن است.

شکل

شکل، اصطلاحی است در نقد ادبی و آن نظم یا هیئتی است که برای بیان محتوای اثر هنری به کار می‌رود و به عبارت دیگر، روش و طرز تنظیم و هماهنگ کردن اجزای اثر هنری است یا به زبان ساده‌تر، روش ارائه اثر هنری است نه آنچه اثر می‌خواهد ارائه دهد که غالباً از آن به محتوا تعبیر می‌شود.

صحنه

زمینه جسمانی (فیزیکی) و فضایی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. این صحنه ممکن است در هر داستان متفاوت باشد و عملکرد جداگانه‌ای داشته باشد. هر نویسنده‌ای صحنه را برای منظور خاصی به کار می‌گیرد.

ضدقهرمان

شخصیت یا قهرمان اصلی هر اثر ادبی، می‌تواند آدم معمولی نباشد و خصوصیات قراردادی، خصوصیتی مثل اصیل‌زادگی، سلحشوری، آرمان‌گرایی و بی‌نیازی از مال و منال در قصه‌های سنتی و تشخص و ویژگی‌های مثبت شخصیت‌های اصلی داستان‌های امروزی را نداشته باشد، این نوع شخصیت‌های داستانی را ضد قهرمان می‌خوانند؛ شخصیت‌هایی با ضعف‌ها و ناتوانی‌های عاطفی و خلقیذو خصوصیات و خلقیاتی خلاف عرف و عادت مرسوم زمانه.

طرح؛ داستانواره

به هر قطعه‌ای که به توصیف شخصیتی، صحنه‌ای، حادثه‌ای واحد می‌پردازد، طرح یا داستانواره می‌گویند. طرح، خصوصیت و خصلتی خاص خود دارد که آن را از داستان جدا می‌کند. اختلاف اساسی طرح با داستان این است که طرح از کیفیت اوضاع و احوال حرف می‌زند و داستان از وقوع وقایع و وضعیت و موقعیت‌ها، طرح تأکیدش بر چگونگی چیزی و مکانی و شخصی است و واقعه، صحنه یا شخصیت واحدی را توصیف می‌کند، داستان بر آنچه قوع یافته یا اتفاق خواهد افتاد، تأکید می‌ورزد. از این‌رو، طرح به‌طور مشخصی جنبه توصیفی دارد و داستان رشته حوادثی را دنبال می‌کند.

گره‌افکنی

گره‌افکنی، وضعیت و موقعیت دشواری است که بعضی اوقات به‌طور ناگهانی ظاهر می‌شود و برنامه‌ها، راه و روش‌ها و نگرش‌هایی را که وجود دارد، تغییر می‌دهد. در داستان، گره‌افکنی شامل جزئیات شخصیت‌ها و وضعیت و موقعیت‌هایی است که خط اصلی پیرنگ را متحول کند.

گره‌گشایی

گره‌گشایی پیامد وضعیت و موقعیت پیچیده یا نتیجه نهایی رشته حوادث است. وقتی رویارویی نیروهای متقابل، بحران و بزنگاه را به وجود می‌آورد، گره‌گشایی نتیجه منطقی آن‌هاست و تحقق پیرنگ داستان.

تعلیق

هول و ولا یا حالت تعلیق کیفیتی است که نویسنده برای وقایعی که در شرف تکوین است، در داستان خود می‌آفریند و خواننده را مشتاق و کنجکاو به ادامه خواندن داستان می‌کند.